

**دانشکده حقوق**

**موضوع:**

**خشونت خانگی**

**(از علت ها تا پاسخ دهی)**

**نام استاد:**

**جناب آقای دکتر فرهاد الله وردی**

**تهیه کننده:**

**مروارید اسلامی**

**درس مربوطه: کارتحقیقی**

**رشته: حقوق**

**زمستان 1397**

1. **بیان مسئله**

 خانواده به عنوان یکی از مهمترین ارکان زندگی بشری، محلی است که افراد پس از گذران روز و مشغله های روزمره در آن به آرامش دست می یابند. حال اگر محل آرامش انسان پر از تنش و ناآرامی شود چه باید کرد؟ در کنار خشونت های رفتاری و گفتاری که هر کدام از ما ممکن است در طول زندگی روزمره و در محیط خارج از خانه با آن ها مواجهه شویم، عده ای هستند که حتی در محیط خانه هم از این مسائل در امان نیستند و در اصطلاح دچار «خشونت خانگی[[1]](#footnote-1)» می شوند. اگرچه بخش زیادی از این خشونت های خانگی پنهان می مانند، اما ممکن است تنش های روحی، کبودی ها و زخم ها بالاخره پرده از این اتفاق بردارند این در حالی است که اولین چیزی که از خشونت به ذهن متبادر می گردد درگیری های کوچه و بازار و خشونت هایی است که با رفتارهای فیزیکی نمود پیدا می کنند و خشونت های خانگی در اکثر موارد ممکن است دیده نشوند البته اگر خشونت های خانگی به عنوان نوعی از خشونت پذیرفته شده باشد!

 خشونت خانگی می تواند بر هر یک از افراد خانواده کودک، زن و مرد صورت گیرد و در اشکال متفاوت همچون خشونت های جسمی، روانی، کلامی، جنسی و ... ظهور یابد.

از آنجا که زنان نقش عمده در فضای خانواده به عنوان اداره کننده داشته و تربیت فرزندان و نسل ها بر عهده زنان می باشد و به همین مناسبت هر گونه مسئله ای که اثر منفی بر وی داشته باشد به طور مستقیم بر فرزندان و محیط خانه و خانواده اثرگذار خواهد بود، لازم می آید که برای تامین امنیت، آرامش خاطر و استقلال زن و... تلاش های بسیاری صورت گیرد که این تلاش ها در تصویب اسناد و اعلامیه های بین المللی در خصوص زنان و به جهت احقاق حقوق آنان، مفاد منشور ملل متحد، کنوانسیون های بین المللی از جمله کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان در سال 1973، اعلامیه رفع خشونت نسبت به زنان مصوب 1993 به عنوان منابع بین المللی و پیوستن دولت ها به این معاهدات و اجرای مفاد آن در کشور مشهود می باشد و همچنین مقالات و کتب تالیف شده درمورد این مسئله چه در داخل و چه در خارج از کشور مبین اهمیت موضوع خشونت علیه زنان می باشد.

حمایت از زنان در برابر خشونت های خانگی مستلزم شناخت خشونت و خشونت خانگی علیه زنان می باشد که در این نوشتار سعی بر آن است که در ابتدا به تبیین این مفهوم پرداخته و سپس علل و پیامدهای خشونت خانگی و چگونگی حل مسئله مورد بررسی قرار گیرد.

1. تعریف

2-1. تعریف خشونت

در تبیین مفهوم خشونت (violence) دیدگاه های متعددی از سوی جرم شناسان، روانشناسان و جامعه شناسان مطرح شده است. خشونت در لغت به معنای تندی، پرخاش گری و سخت گیری آمده است (حکمی،1381: 538). درشتی و زبري، وضـﻊ خشـﻦ. البتـه خشـونت مفهومی نسـبی اسـت؛ زیـرا در هـر محیطی، مفهـوم خاصـی دارد. دانشـمندان جامعه شـناس و حقوق دانـان، هـر کـدام تعریـف جداگانه اي از خشونت داشته و تعریف جامعی ارائه نشـده اسـت. برخی خشـونت را بـه عمـل فـرد معیـﻦ که بـه جان، مـال یا شـرف دیگران تعـرض و حملـه می کند تفسـیر کرده اند (سالاری فر،1389:96) و برخـﯽ دیگـر خشـونت را بـه اشـﮑال افراطـی رفتـار پرخاشـﮕرانه کـه ممکن است آسـیب های مشـخصی به قربانـی وارد سازد(اعزازی،1380: 25-24).

2-2. تعریف خشونت علیه زنان

 2-2-1. قطعنامه مربوط به رفع خشونت علیه زنان که برگرفته از اجلاس عمومی سازمان ملل در سال 1993 بود، خشونت علیه زنان را به عنوان «هر رفتار خشن و وابسته به جنسیتی که موجب آسیب جسمی، جنسی، یا روانی و یا رنج زنان شود» تعریف کرده است. چنین رفتاری می تواند با تهدید، اجبار یا سلب مطلق اختیار و آزادی صورت گرفته و در جمع یا خفا رخ دهد.

 2-2-2. در اعلامیه رفع خشونت علیه زنان خشونت وابسته به جنسیت این چنین تعریف شده است:« خشونت وابسته به جنسیت خشونتی است که علیه یک زن اعمال می شود زیرا او یک زن است، یا این که به طور نامتناسب بر زنان تاثیر می گذارد.» این تعریف شامل (اما نه محدود به) موارد زیر است:

 «خشونت جسمی، جنسی و روحی که در خانه روی می دهد مانند ضرب و شتم پی در پی، سوء استفاده جنسی از دختربچه ها در خانه، خشونت مرتبط با مهریه، تجاوز جنسی شوهر، ختنه دستگاه تناسلی زنانه و سایر رفتارهای مضر سنتی برای زنان، خشونت بدون ازدواج و خشونت مرتبط با استثمار؛ خشونت جسمی، جنسی و روحی-روانی که در جامعه روی می دهد، شامل تجاوز، حملات مکرر جنسی، ارعاب در محل کار، در موسسات آموزشی یا مکان های دیگر، قاچاق زنان و فحشای اجباری؛ ارتکاب به خشونت جسمی، جنسی، روحی- روانی اعمال شده توسط دولت ها یا مورد اغماض آن ها هر کجا که باشد.»[[2]](#footnote-2)

 2-3. تعریف خشونت خانگی

 خشونت خانگی در واقع به معنای رفتار خشونت آمیز و سلطه گرایانه یک عضو خانواده علیه عضو یا اعضای دیگر همان خانواده است.

خانواده نهادی است که عمق و گستردگی روابط در آنجا از هرجای دیگری بیشتر است. پس نهاد خانواده زمانی می تواند مکان پر از امن و عطوفت باشد که دچار آشفتگی و نابسامانی نباشد. خشونت از عواملی است که سلامت و امنیت خانواده را تهدید می کند. خشونت خانوادگی یا خشونت علیه زنان در خانواده، شایع ترین شکل خشونت علیه زنان است[[3]](#footnote-3). اگرچه گاهی ادعا می شود که زنان به اندازه مردان با همسر یا کودک های خود خشن هستند، اما واضح است که خشونت زنان محدودتر است و به احتمال بسیار اندک موجب آسیب جسمانی با دوام می گردند (علاسوند، 1392:161) اگرچه آثار فیزیکی خشونت خانگی معمولاً قابل مشاهده است، اما در مقابل، گاهی خشونت خانگی دارای آثار مخربی است که به چشم نمی آید، اما تحمل شان بسیار دشوار است. مانند دروغ گفتن، به خواسته های زن بی توجه بودن، انتقاد کردن به طور مداوم، جدا کردن زن از کودکانش و فامیل، پرخاش کردن، وادار کردن زن به ترک خانه، تهمت زدن و ... که از آن ها به عنوان خشونت پنهان یاد می شود.[[4]](#footnote-4)

1. **انواع خشونت علیه زنان**

خشونت علیه زنان در قالب خشونت های جسمی، جنسی، و روانی صورت می پذیرد و ارتکاب هر یک از آن ها را می توان از سوی خانواده، جامعه و حتی دولت ها متصور شد که در اینجا تنها به توضیح خشونت از سوی خانواده پرداخته می شود.

**3-1. خشونت جسمانی (فیزیکی)**

 خشونت فیزیکی عملی را گویند، که مجری آن، عمداً، با اعمال زور، باعث صدمه جسمانی قربانی گردد. این عمل، باعث زخمی شدن فیزیکی و روحی و در برخی از حالات، باعث مرگ قربانی می گردد. خشونت جسمانی می تواند خفیف یا شدید باشد، آثار و علایم آن ظاهر و یا هم به علت خفیف بودن، نا چیز و یا غیر قابل دید باشد(منیر و همکاران،1388: 25). این نوع خشونت به شیوه های مختلفی مانند کتک خوردن، شکنجه و قتل را در بر میگردد یا از لمس بدن زن شروع شده تا مرحله تجاوز جنسی، جسم زن را مورد آزار قرار می دهد. در واقع نوعی اقدام فیزیکی برای آسیب رساندن، ترساندن یا کنترل کردن روی همسر برای مثال سیلی زدن، ضرب و شتم، پرتاب کردن اشیاء به سمت همسر و سوزاندن اندامها و...( اعزازی،1379 :28)

**3-2. خشونت روانی**

این نوع خشونت، به عملی اطلاق می گردد که شرافت، آبرو و اعتماد به نفس زن را خدشه دار می کند. این رفتار به صورت انتقاد ناروا، تحقیر، بددهانی، تمسخر، توهین، فحاشی، متلک، تهدیدهای مداوم به طلاق دادن، یا ازدواج مجدد کردن اعمال می شود(امیری، 1397: 5)

به تعبیر دیگر، هر نوع گفتار یا رفتار پرخاش جویانه ای که موجب تحقیر، توهین، آزار و اذیت کسی را فراهم کند، خشونت روانی است؛ حتی سکوتی که می تواند موجب ایجاد چنین حالاتی شود، مانند کلام، نوعی خشونت روانی محسوب می شود.... و یا هر کنشی، که موجب ناراحتی روحی و روانی شخص شود و آثار اخلاقی و عاطفی منفی به بار آورد، خشونت روانی به حساب می آید. شاید همین نداشتن آرامش و امنیت روحی، در مواردی، خیلی دردناک تر از خشونت فیزیکی باشد، چیزی که بسیاری از زنان، در جوامع و فرهنگ های مختلف، روزانه تجربه می کنند. گرچه خشونت جسمانی شایع ترین نوع خشونت علیه زنان به نظر می آید؛ اما به گفته تعدادی از کارشناسان، موارد خشونت روانی بیش از آن است و حدود بیش از نیمی از انواع خشونت را شامل می شود(منیر و همکاران،1388: 26).

**3-3. خشونت جنسی**

این نوع خشونت، که به نام تجاوز جنسی شهرت دارد، به عملی اطلاق می گردد، که شخص عمل جنسی را، در برابر قربانی خویش، بدون در نظر داشت نکات زیر انجام دهد:

* عمل جنسی، با استفاده از زور- بدون در نظر داشت علایق و خواهشات قربانی- بر قربانی تحمیل می گردد؛
* عملی جنسی تحمیل شده بر افراد بیمار، معلول و معیوب، که باعث صدمه های جنسی و روانی بر آن ها می گردد؛

به تعبیر دیگر، تماس جنسی اجباری با زن، به هر شکل و دلیلی که صورت گیرد، تجاوز تلقی شده و زیر نام خشونت جنسی جای می گیرد(منیر و همکاران،1388: 27)

تجاوز جنسی توسط شوهر و یا به عبارت دیگر برقراری رابطه جنسی بدون رضایت زن در قوانین ایران پیش بینی نشده و تحت این عنوان جرم انگاری نگردیده است و تنها در صورتی که این رابطه منجر به بروز آسیب های جسمی از قبیل کبودی و زخم و ... گردد تحت عنوان ضرب و جرح و مواردی از این قبیل می تواند مورد رسیدگی قضایی قرار گیرد.

**3-4. خشونت اقتصادی**

عملی است که بر اساس آن شخص حاکمیت اقتصادی خانواده را متعلق به خود می داند و این را وسیله ای برای اعمال زور در خانواده قرار می دهد به گونه ای که اعضای خانواده مجبور به رعایت خواسته های او می گردند و در بسیاری موارد شخص حاکم با استفاده از زور سرمایه سایر اعضاء را در اختیار گرفته و با محدودسازی نقش آنها از فعالیت های اجتماعی و اقتصادی سعی بر حفظ حاکمیت خود دارند.

خشونت اقتصادی در خانواده و به ویژه در برابر زن، به هر نوع استفاده از دارایی و نیروی جسمی و فکری زن گفته می شود، که بدون حق، بر وی اعمال شود. این نوع خشونت هم، در برگیرنده مسائل متعدد، از جمله وابستگی اقتصادی زن به شوهر و عدم اجازه به کار و استقلال مالی است(منیر و همکاران،1388: 28)

در بسیاری از نقاط جهان زنان به گونه ای زندگی می کنند که چنانچه مردان خانواده نخواهند، ادامه زندگی زنان به خطر می افتد. گاه دچار سوء تغذیه می شوند و گاه حتی قادر به رفع ابتدائی ترین ضروریات زندگی نیستند. نمونه های این نوع خشونت ندادن خرجی یا سوء استفاده های مالی از زن، کنترل دائمی مخارج زن و پنهان کردن میزان درآمد خود را می توان نام برد( بستان، 1382: 90).

**3-5. خشونت فرهنگی- اجتماعی**

هر نوع رفتار و باوری که نشان دهنده عدم تساوی زن و مرد بوده و زنان را پایین تر از مردان در خانواده و اجتماع تلقی کند، نوعی از خشونت فرهنگی و اجتماعی است، که زنان را از داشتن جایگاه و ارزش انسانی شان محروم می سازد. این نوع خشونت، که در جوامع مختلف، به درجه های متفاوتی وجود دارد، ریشه در فرهنگ، باورها و ارزش های اجتماعی دارد، که ساخته و پرداخته مردان است و به گونه طبیعی، زنان در آن جایگاه و ارزش و در نتیجه حقوق ثانوی دارند. گاهی آداب و رسوم فرهنگی در مناطق خاص، نوعی از خشونت را به زن اعمال می کند.

اصولاً نفس نابرابری جنسیتی مردان و زنان خود نوعی خشونت مبتنی بر جنسیت محسوب می گردد و پذیرش این موضوع در خانه و خانواده که با تاثیرپذیری از فرهنگ غالب بر اجتماع صورت می گیرد خشونت فرهنگی و اجتماعی به شمار می آید (منیر و همکاران، 1388: 30). مانند ممنوعیت ملاقات با دوستان و خویشاوندان، حبس کردن زن در خانه، قطع کردن تلفن و ....

1. **علل و پیامدهای خشونت خانگی**

4-1- علل خشونت خانگی:

طبق پژوهش های به عمل آمده عوامل موثر بر خشونت خانگی را می توان در سه دسته عوامل فردی، اجتماعی و تبادلی بررسی کرد.

**4-1-1. علل فردی**

* جنبه های زیستی:

 در بررسی علل خشونت ، اولین تبیین به مسائل زیستی انسان و تفاوت زن و مرد از این بعد مربوط می شود. برخی فمینیست های رادیکال ادعا کرده اند که نیروی بدنی مردان سبب بروز خشونت نسبت به زنان می شد. مفهوم سیاست تن که هم به منابات فیزیکی قدرت و هم به اشکال خشونت غیرمستقیم علیه زنان اشاره دارد، برای توصیف خشونت علیه زنان به کار برده شده است.

اعمال زیستی دیگر، هورمون مردانه، یعنی تستوسترون است که روان شناسان آن را عامل موثری در رفتار پرخاشگرانه مردان دانسته اند.. همچنین پژوهشی با استفاده از پرسشنامه خودسنجی، پرخاشگری بدنی و زیانی را بررسی کرد و نشان داد که سطح بالای تستوسترون و استرودیول در خون با میزان پرخاشگری در مردان رابطه مثبت و با میزان پرخاشگری در زنان رابطه منفی دارد.

* عوامل روان شناختی:

 رویکرد روان شناختی، منبع خشونت خانگی را در شخصیت یا اختلالات روانی جستجو می کند. وابستگی خصمانه به همسر، وسواس نسبت به رفتار همسر که گاه همراه با نوعی سوء ظن می باشد، از عوامل شخصیتی بسیار موثر در بروز خشونت خانگی علیه زنان است. به طورکلی، اموری مانند عزت نفس پایین، احساس عدم کفایت و افسردگی به عنوان تبیین های روان شناختی خشونت مردان تایید شده است (سالاری فر، 1388: 10). در تحقیقی توسط زندگنه و احمدی (1383) بیان شد که میزان همسرآزاری در شوهرانی که سابقه بیماری روانی دارند بیشتر از شوهران سالم است (امیری، 1397: 17).

* ناکامی:

 ﻓﺮﺿﻴﻪ ﻧﺎﻛﺎﻣﻲ ﻣﻴﻠﺮ، ﭘﻴﺎﻣﺪ ﻗﻄﻌﻲ ﻧﺎﻛـﺎﻣﻲ ﺭﺍ ﭘﺮﺧﺎﺷـﮕﺮﻱ ﺍﻋـﻼﻡﻛـﺮﺩ؛ ﺍﻣـﺎ ﺑﻌﺪﻫﺎ ﻣﻴﻠﺮ، ﭘﺮﺧﺎﺷﮕﺮﻱ ﺭﺍ ﻳﻜﻲ ﺍﺯ ﭘﻴﺎﻣﺪﻫﺎﻱ ﺍﺣﺘﻤﺎﻟﻲ ﻧﺎﻛﺎﻣﻲ ﺩر ﻧﻈﺮ ﮔﺮﻓـﺖ. ﻧﺎﻛـﺎﻣﻲ ﺩﺭ ﺷﺮﺍﻳﻄﻲ ﺭﻭﻱ ﻣﻲ ﺩﻫﺪ ﻛﻪ ﻣﻮﺍﻧﻊ، ﻓﺮﺩ ﺭﺍ ﺍﺯ نیل ﺑـﻪ ﻫـﺪﻑ ﺑـﺎﺯ ﻣـﻲ ﺩﺍﺭﺩ ﻭ ﺍﻭ ﺭﺍ ﺩﺭ ﺍﻧﺠـﺎﻡ ﺭﻓﺘارﻱ ﻧﺎﺗﻮﺍﻥ ﻣﻲ ﻛﻨﺪ (سلاری فر، 1388: 11) در پدیده خشونت خانگی، ﻧﺎﻛﺎﻣﻲ ﻫﺎﻱ ﻣﺮﺩ ﺭﺍ ﺑﺎﻳﺪ ﺑﺎ ﺗﺄﻛﻴﺪ ﺑﻴﺸﺘﺮﻱ ﺩﺭ ﺭﻳﺸﻪ ﻫاﻳﻲ، ﻣﺜﻞ: ﻋﻮﺍﻣﻞ ﺍﻗﺘﺼﺎﺩﻱ، ﺗﺄﻣﻴﻦ ﻧﺸﺪﻥ ﻧﻴﺎﺯﻫﺎﻱ ﻋﺎﻃﻔﻲ ﻣﺮﺩ ﺩﺭ ﺧﺎﻧﻮﺍﺩﻩ، ﻧﺎﻛﺎﻣﻲ ﺟﻨﺴﻲ ﺩﺭ ﺍﺛر ﺑﻲ ﺍﻋﺘﻨﺎﻳﻲ ﺯﻥ ﻳﺎ ﺳﺮﺩ ﻣﺰﺍﺟﻲ ﺍﻭ، ﺷﺮﺍﻳﻂ ﺍﺟﺘﻤﺎﻋﻲ ﻭ ﺍﺑﻌﺎﺩ ﺷﻨﺎﺧﺘﻲ ﻣﺮﺩ ﺑﺮﺭﺳﻲ ﻛﺮﺩ (امیری، 1397: 17)

* اعتیاد و مصرف مواد مخدر:

پژوهش ها نشان می دهد که همسرآزاری جسمی- روانی در شوهرانی که الکل یا مواد مخدر مصرف می کنند بیشتر از آنانی است که مصرف نمی کنند و به این نتیجه رسیده اند که 14 درصد انحرافات رفتاری شوهر از جمله اعتیاد علل خشونت است (امیری، 1397: 18).

ﺷﺨﺼﻴﺖ ﺍﻓﺮﺍﺩ ﻣﻌﺘﺎﺩ ﺩﺭ ﺩﻭﺭﺍﻥ ﺍﻋﺘﻴﺎﺩ ﺗﻐﻴﻴﺮ ﻣﻲﻳﺎﺑﺪ، ﺁﻧﻬﺎ ﺍﻋﺘﻤﺎﺩ ﺑـﻪ ﻧﻔـﺲ ﺧـﻮﺩ ﺭﺍ ﺍﺯ ﺩﺳﺖ ﻣﻲ ﺩﻫﻨﺪ. ﻣﺮﺩﺍﻥ ﻣﻌﺘﺎﺩ ﺑﻪ ﻋﻠﺖ ﻣﺤﺪﻭﺩﻳﺖ ﻫﺎﻱ ﺷﺪﻳﺪ ﻭ ﺑﺮﺧﻲ ﺍﺯ ﻛﻨﺘﺮﻝ ﻫﺎﻱ ﺳﺨﺘﻲ ﻛﻪ ﺑﺮ ﺭﻓﺘﺎﺭﻫﺎﻱ ﺁﻧﻬﺎ ﺍﻋﻤﺎﻝ ﻣﻲ ﺷﻮﺩ، ﻣﺮﺗﻜﺐ ﺧﺸﻮﻧﺖ ﻋﻠﻴﻪ ﺧﺎﻧﻮﺍﺩﻩ ﻣﻲ ﺷﻮﻧﺪ. ﻋﻤﻠﻜﺮﺩ ﺧﺎﻧﻮﺍﺩﻩ ﻣﻌﺘﺎﺩﺍﻥ ﺑﺴﻴﺎﺭ ﭘﺎﻳﻴﻦ ﺗﺮ ﺍﺯ ﺧﺎﻧﻮﺍﺩﻩ ﻫﺎﻱ ﻋﺎﺩﻱ ﻣﻲ ﺑﺎﺷﺪ؛ ﺑﻨﺎﺑﺮﺍﻳﻦ، ﻓـﺮﺩ ﻣﻌﺘاﺩ ﺑـﺮﺍﻱ ﻧﺠﺎﺕ ﺍﺯ ﺍﻳﻦ ﻭﺿﻌﻴﺖ، ﺍﺯ ﺧﺸﻮﻧﺖ ﺍﺳﺘﻔﺎﺩﻩ ﻣﻲ ﻛﻨﺪ (سالاری فر، 1388: 12)

* متغیر سن:

 ﺗﻔﺎﻭﺕ ﺳﻨﻲ ﺯﻥ ﻭ ﺷﻮﻫﺮ ﺍﺯ ﻋﻮﺍﻣﻞ ﻓﺮﺩﻱ ﻣﺆﺛﺮ ﺩﺭ ﺑـﺮﻭﺯ ﺧﺸـﻮﻧﺖ ﺧﺎﻧﮕﻲ ﺍﺳﺖ . ﭘﮋﻭﻫﺶ ﻫﺎﻱ ﻣﺘﻌﺪﺩ ﻧﺸﺎﻧﮕﺮ ﺁﻥ ﺍﺳـﺖ ﻛـﻪ ﺍﻓـﺰﺍﻳﺶ ﺳـﻦ، ﺭﺍﺑﻄﻪ ﻣﻨﻔﻲ ﺑـﺎ ﺩﺭﺟﺎﺕ ﺧﺸﻮﻧﺖ ﺯﻧﺎﺷﻮﻳﻲ ﺩﺍﺭﺩ. گافمن در بررسی 2000 زوج به این نتیجه رسید که هر چه سن افزایش یابد، احتمال بروز خشونت کاهش می یابد (امیری، 1397: 18)

از دیگر علل فردی بروز خشونت ضعف اخلاقی و عدم پایبندی زوجین به اعتقادات دینی از دیدگاه اسلام بیان شده که در خانواده هایی که پایبندی به ارزش های مذهبی وجود دارد گرایش به پرخاش و خشونت کم تر است. هوش و تحصیلات نیز از عوامل خشونت علیه زنان برشمره شده است بدین صورت که همسرآزاری با سطح تحصیلات زوج ها رابطه معنادار معکوس دارد به طوری که زنان دارای تحصیلات بالاتر کمتر از زنان دارای تحصیلات پایین تر مورد همسرآزاری قرار می گیرند (امیری، 1397: 18و19)

**4-1-2. علل ارتباطی بین فردی در ایجاد خشونت**

ﺑﺨﺸﻲ ﺍﺯ ﻋﻠﻞ ﻭ ﺯﻣﻴﻨﻪ ﻫﺎﻱ ﺑﺮﻭﺯ ﺧﺸﻮﻧﺖ ﻧﺴﺒﺖ ﺑﻪ ﺯﻧﺎﻥ ﺩﺭ ﺧﺎﻧﻮﺍﺩﻩ ﺑـﻪ ﻧﺤـﻮﻩ ﺭﻭﺍﺑـﻂ ﻭ ﺗﻌﺎﻣﻞ ﻫﺎﻱ ﺩﻭ ﺟﻨﺲ ﺯﻥ ﻭ ﻣﺮﺩ ﻭ ﺭﻭﺍﺑﻂ ﻭﻳﮋﻩ ﺁﻧـﺎﻥ ﺩﺭ ﺧـﺎﻧﻮﺍﺩﻩ ﺑـﻪ ﻋﻨـﻮﺍﻥ ﺯﻥ ﻭ ﺷـﻮﻫﺮ باز ﻣﻲ ﮔﺮﺩﺩ. ﺍﺯ ﺁﻧﺠﺎ ﻛﻪ پدیده ﺧﺸﻮﻧﺖ ، ﺍﻣﺮﻱ ﺍﺭﺗﺒﺎﻃﻲ ﻣﻲ ﺑﺎﺷﺪ، ﺑﻬﺘـﺮ ﺍﺳـﺖ ﻛـﻪ ﻭﺍﺣـﺪ ﺗﺤﻠﻴﻞ ﺑﻪ ﺟﺎﻱ ﺍﻓﺮﺍﺩ، ﺭﻭﻱ ﺗﻌﺎﻣﻞ ﻫﺎﻱ ﻣﻴﺎﻥ ﺁﻧﻬﺎ، ﺍﺯ ﺟﻤﻠﻪ ﺗﻌﺎﻣﻞ ﺯﻥ ﻭ ﺷﻮﻫﺮ ﻗـﺮﺍﺭ ﮔﻴـﺮﺩ. ﺑﺮﺧﻲ ﺯﻣﻴﻨﻪ ﻫﺎﻱ ﺗﻌﺎﻣﻠﻲ ﺧﺸﻮﻧﺖ ﻋﻠﻴﻪ ﺯﻧﺎﻥ ﻋﺒﺎﺭﺕ ﺍﺳﺖ ﺍﺯ:

* ﺟﻨﺴﻴﺖ:

ﻓﻤﻴﻨﻴﺴﺖ ﻫﺎ، ﺭﻳﺸﻪ ﻫﺎﻱ ﺧﺸﻮﻧﺖ ﻧﺴﺒﺖ ﺑـﻪ ﺯﻧـﺎﻥ ﺭﺍ ﺩﺭ ﺭﻭﺣﻴـﺎﺕ ﺟـﻨﺲ ﻣﺮﺩ ﻭ ﻧﻘﺶ ﻫﺎﻱ ﻣﺮﺩﺍﻧﻪ ﺟﺴﺘﺠﻮ ﻣﻲ ﻛﻨﻨﺪ. ﺧﺸﻦ ﺑﻮﺩﻥ ﺟﻨﺲ ﻣﺮﺩ ﺑﻪ ﻋﻨﻮﺍﻥ ﺍﻟﮕﻮﻱ ﻣﻄﻠﻮﺑﻲ ﺩﺭ ﺑﺴﻴﺎﺭﻱ ﺍﺯ جوامع ﭘﺬﻳﺮﻓﺘﻪ ﺷﺪﻩ ﺍﺳﺖ. همچنین ابزاری برای کنترل رفتار جنس مونث و ایجاد تبعیت و وابستگی زنان است (امیری، 1397: 19). ﺩﺭ ﻣﺠﻤـﻮﻉ، ﺭﻭﺣﻴﻪ ﻛﻨﺘﺮﻝ ﻭ ﻏﻠﺒﻪ ﻣﺮﺩﺍﻥ ﺑﺮ ﻫﻤﺴﺮﺍﻥ ﺧﻮﺩ ﻛﻪ ﺩﺭ ﺑﺴﻴﺎﺭﻱ ﺍﺯ ﻛﺸﻮﺭﻫﺎﻱ ﺩﺭ ﺣﺎﻝ توسعه ﻭ توسعه ﻳﺎﻓﺘﻪ، ﺍﺯ ﺟﻤﻠـﻪ ﺁﻣﺮﻳﻜـﺎ ﻭﺟـﻮﺩ ﺩﺍﺭﺩ، ﻋﺎﻣﻞ ﺑﺮﺍﻧﮕﻴﺰﺍﻧﻨﺪﻩ ﺧﺸﻮﻧﺖ ﻋﻠﻴﻪ ﺯﻧﺎﻥ ﻣﺤﺴﻮﺏ ﻣﻲ ﺷﻮﺩ. ﻣﺮﺩﺍﻥ ﺑﺪﺭﻓﺘﺎﺭ، ﻣﺮﺩﺍﻧﮕﻲ ﺭﺍ ﺑﺎ ﺗﻮﺍﻧﺎﻳﻲ ﻛﻨﺘﺮﻝ ﻭ ﻏﻠﺒﻪ ﺑـﺮ ﻫﻤﺴـﺮ ﻣـﺮﺗﺒﻂ ﻣﻲ ﺩﺍﻧﻨﺪ. ﺍﺯ ﻃﺮﻑ ﺩﻳﮕﺮ، ﺑﻴﺸﺘﺮ ﺯﻧﺎﻥ ﻛﺘﻚ ﺧﻮﺭﺩﻩ، ﺍﻋﻼﻡ ﻣﻲ ﻛﻨﻨﺪ ﻛﻪ ﺍﻳﺠـﺩ ﻣﺤـﺪﻭﺩﻳﺖ ﺑﺨﺶ مهمی ﺍﺯ ﺍِﻋﻤﺎﻝ ﺧﺸﻮﻧﺖ ﻋﻠﻴﻪ ﺁﻧﻬﺎﺳﺖ (سالاری فر، 1388: 19)

* یادگیری:

 ﺑﺴﻴﺎﺭﻱ ﺍﺯ ﻧﻈﺮﻳﻪ ﭘﺮﺩﺍﺯﺍﻥ ﺭﻭﺍﻥ ﺷﻨﺎﺳﻲ ﺧﺎﻧﻮﺍﺩﻩ، ﻧﻘـﺶ ﺁﻣـﻮﺯﺵ ﺍﻟﮕﻮﻫـﺎﻱ ﺧـﺎﻧﻮﺍﺩﮔﻲ ﺍﺯ ﺧـﺎﻧﻮﺍﺩﻩ ﺍﺻـﻠﻲ ﺭﺍ ﺗﺄﻳﻴـﺪﻛﺮﺩﻩﺍﻧﺪ به عبارت دیگر کودک عیناً عملی را انجام می دهد که در خانواده مشاهده کرده است. ﻛﻮﺩﻛﺎﻥ ﻧﻘشﻫﺎﻱ ﻫﻤﺴﺮﻱ ﻭﺍﻟﺪﻳﻦ ﺭﺍ ﺑﺎ ﻣﺸﺎﻫﺪﻩ ﻣﻲﺁﻣﻮﺯﻧﺪ، ﺍﺯ ﺟﻤﻠﻪ ﻣﻲ ﻓﻬﻤﻨﺪ ﻛﻪ ﺑﺪﺭﻓﺘﺎﺭﻱ ﻭ ﺧﺸﻮﻧﺖ ﺍﻣﺮﻱ به هنجار ﺍﺳت (امیری، 1397: 19)

بررسی ها ﻧﺸﺎﻥ ﻣﻲ ﺩﻫﺪ، ﻣـﺮﺩﺍﻥ ﻫﻤﺴﺮﺁﺯﺍﺭ ﺩﺭ ﺧﺎﻧﻪ ﭘﺪﺭﻱ ﺷﺎﻫﺪ ﺧﺸﻮﻧﺖ ﻋﻠﻴﻪ ﺯﻧﺎﻥ ﺑﻮﺩﻩ ﺍﻧﺪ. ﺍﻳﻦ ﺍﻓﺮﺍﺩ ﻧﮕﺮﺵ ﻫﺎﻳﻲ ﭘﻴﺪﺍ ﻣﻲ ﻛﻨﻨﺪﻛﻪ ﺩﻻﻟﺖ ﺑﺮ ﺧﺸﻮﻧﺖ ﻋﻠﻴﻪ ﺯﻧﺎﻥ ﺩﺍﺭﺩ. ﻫﻤﭽﻨﻴﻦ ﻣﺮﺩﺍﻧﻲ کـﻪ ﺩﺭﻛﻮﺩﻛﻲ ﻣـﻮﺭﺩ ﺧﺸﻮﻧﺖ ﻭ ﺳﺮﺯﻧﺶ ﻭﺍﻟﺪﻳﻦ ﻗﺮﺍﺭ ﮔﺮﻓﺘﻪ ﺍﻧﺪ، ﺍﺣﺘﻤﺎﻝ ﺑﻴﺸﺘﺮﻱ ﺩﺍﺭﺩ ﻛﻪ ﺑـﺎ ﻫﻤﺴﺮﺍﻥ ﺧﻮد ﺑﺪﺭﻓﺘﺎﺭﻱ ﻛﻨﻨﺪ (سالاری فر، 1388: 22).

* نوع ازدواج:

ﺍﺟﺒـﺎﺭﻱ ﺑـﻮﺩﻥ ﺍﺯﺩﻭﺍﺝ ﻭ ﺗﻌـﺪﺩ ﺯﻭﺟـﺎﺕ ﺍﺯ ﻋﻮﺍﻣـﻞ ﻣـﺆﺛﺮ ﺩﺭ ﺑـﺮﻭﺯ ﺧﺸﻮﻧﺖ ﺧﺎﻧﮕﻲ ﻋﻠﻴﻪ ﺯﻧﺎﻥ ﺩﺭ ﺍﻳﺮﺍﻥ ﺍﺳﺖ. ﺍﺯﺩﻭﺍﺝ ﺍﺟﺒﺎﺭﻱ، ﺳﺎﺯﮔﺎﺭﻱ ﺯﻥ ﻭ ﺷﻮﻫﺮ ﺭﺍ ﺩﺷﻮﺍﺭ ﻣﻲﻛﻨﺪ ﻭ ﻣﻴﺰﺍﻥ ﺭﺿﺎﻳﺖ ﺯﻧﺎﺷﻮﻳﻲ ﺭﺍ ﻛﺎﻫﺶ می ﺩﻫﺪ (سالاری فر، 1388: 23). حدود 20 درصد زنان دارای هوو می باشند که پدیده دو همسری یکی از عوامل اصلی بروز خشونت بر ضد زنان است (امیری، 1397: 19).

* دخالت اطرافیان:

 ﻭﺿﻌﻴﺖ ﻓﺮﻫﻨﮕﻲ ﺍﺟﺘﻤﺎﻋﻲ ﺑﺮﺧﻲ ﻛﺸﻮﺭﻫﺎ، ﺍﺯ ﺟﻤﻠﻪ ﺍﻳﺮﺍﻥ ﺑـﻪﮔﻮﻧﻪ ﺍﻱ ﺍﺳﺖ ﻛﻪ ﺑﻴﻦ ﺧﺎﻧﻮﺍﺩﻩ ﺍﺻﻠﻲ ﻭ ﺧﺎﻧﻮﺍﺩﻩ ﻫﺎﻱ ﺗﺎﺑﻌﻪ ﻭﺍﺑﺴـﺘﮕﻲ ﺯﻳﺎﺩﻱ ﻭﺟﻮﺩ ﺩﺍﺭﺩ. ﻫﺮ ﭼﻨﺪ ﺍﻳﻦ ﺍﻣﺮ ﺩﺭ ﺣﻤﺎیت ﺍﺯ ﺧﺎﻧﻮﺍﺩﻩ ﻫﺎﻱ ﺗﺎﺑﻌـﻪ ﻣـﺆﺛﺮ ﺍﺳـﺖ، ﻭﻟﻲ ﮔـﺎﻩ ﺩﺧﺎﻟﺖ ﻫـﺎﻱ ﺑﻲ ﻣﻮﻗﻊ ﺁﻧﻬﺎ ﺑﺎﻋﺚ ﻣﺸﻜﻼﺕ ﺧﺎﻧﻮﺍﺩﮔﻲ ﻣﻲ ﺷﻮﺩ. ﺩﺭﻣﻮﺭﺩ ﺧﺸﻮﻧﺖ ﺧﺎﻧﮕﻲ ﻋﻠﻴﻪ ﺯﻧﺎﻥ ﻧﻴﺰ ﺩﺧﺎﻟـﺖ ﺧﻮﻳﺸﺎﻥ ﻧﻘﺶ ﻣﺆﺛﺮﻱ ﺩﺍﺭﺩ، ﺑﻪ ﮔﻮﻧﻪ ﺍﻱﻛﻪ ﻣﺸﺎﻭﺭﺍﻥ ﺩﺭ ﺍﻳﺮﺍﻥ ﺩﺭ ﺑﻴﺸﺘﺮ ﻣﻮﺍﺭﺩ ﭘﺲ ﺍﺯ ﺗﺮﺳﻴﻢ ﭼﺮﺧﺔ ﺧﺸﻮﻧﺖ ﻣﺘﻮﺟﻪ ﻣﻲﺷﻮﻧﺪ ﻛﻪ ﺧﺸـﻮﻧﺖ ﺑﻌـﺪ ﺍﺯ ﺑﺎﺯﮔﺸـﺖ ﺷـﻮﻫﺮ ﺍﺯ ﺧﺎﻧـﻪ ﺧﻮﻳﺸﺎﻥ ﺻﻮﺭﺕ ﻣﻲ ﮔﻴﺮﺩ.( سالاری فر، 1388: 24).

* مشکلات ارتباطی:

ﻣﺤﻤﺪﺧﺎﻧﻲ ﺩﺭ ﭘﮋﻭﻫﺶ ﺧﻮﺩ ﺩﺭﺑﺎﺭﻩ ﻧﻴﻤﺮﺥ ﻣﺮﺗﻜﺒﺎﻥ ﺧﺸﻮﻧﺖ ﭘﺲ ﺍﺯ ﺑﺮﺭﺳﻲ ﻋﻮﺍﻣﻞ ﺷﺨﺼﻲ، ﻧﻘﺶ ﻋﻮﺍﻣﻞ ﺍﺭﺗﺒﺎﻃﻲ ﺭﺍ ﻧﻴﺰ ﻣﻲﺳﻨﺠﺪ. ﺑﺮﺧﻲ ﺍﺯ ﺍﻳﻦ ﻋﻮﺍﻣﻞ ﻋﺒـﺎﺭﺕ ﺍﺳـﺖ ﺍﺯ: ﻣﺪﻳﺮﻳﺖ ﺧﺸﻢ، ﺳﺎﺑﻘﻪ ﺑﺰﻫﻜﺎﺭﻱ، ﺗﻌﺎﺭﺽ، ﻣﺸﻜﻼﺕ ﺍﺭﺗﺒﺎﻃﻲ، ﺧﺼﻮﻣﺖ ﺟﻨﺴﻲ، ﺣﺴﺎﺩﺕ، ﺁﺷﻔﺘﮕﻲ ﺍﺭﺗﺒﺎﻃﻲ، ﺳﺎﺑﻘﻪ ﺁﺯﺍﺭﺟﻨﺴﻲ، ﻛﻨﺘﺮﻝ ﺧﻮﺩ ﻭ ﺍﺟﺘﻤﺎﻋﻲ ﺷﺪﻥ ﺧﺸﻮﻧﺖ. بر اساس این تحقیق، مردان مرتکب خشونت به طور معناداری مبتلا به مسائل شخصی و ارتباطی بیشتری بوده اند (سالاری فر، 1388: 24).

4-2- پیامدهای خشونت خانگی:

بسته به نوع خشونت های صورت گرفته علیه زنان، تاثیر آن نیز متفاوت است. بدرفتاری و شکنجه های بدنی و حتی توهین و تحقیر کلامی، بر رشد روانی و اجتماعی زنان اثرات نامطلوبی می گذارد. تحقیر و خوار کردن او، در نهایت به عجز و ناتوانی در تصمیم گیری درست، منتهی شده و توانمندی را از وی خواهد گرفت و در نتیجه از مشارکت و ابراز عقیده در تصمیم گیری های سرنوشت ساز اجتماعی و خانوادگی نیز محروم اند. در بسیاری موارد زنان به دلیل ترس از خشونت های بعدی، متلاشی شدن خانواده، آوارگی و بی پناهی ( در اکثر موارد عدم حمایت خانواده زن از وی و نبود محلی امن موجب تحمل خشونت می گردد)، احساس تنهایی و بی سرپرستی و احساس شرمندگی، خشونت ها را گزارش نمی کنند و به امید بهتر شدن اوضاع در آینده تحمل می کنند (خسروی و خاقانی فرد، 1383)

در یک تحقیق به عمل آمده بر روی تعدادی از زنان ساکن مناطق مختلف تهران به این نتیجه رسیده اند که زنان به دلایل مختلفی سعی دارند ک خشونت علیه خود را کتمان کرده و آن را غیر مهم، جزئی و یا عادی نشان دهند و این بیانگر این موضوع می باشد که خشونت علیه زنان و شیوه مواجهه با آن خصیصه ثابتی از زندگی اجتماعی است. به عبارتی زنان معمولاً آن را نادیده میگیرند زیرا این عقیده رایج است که خشونت واقعی در خیابان و در فضای عمومی و توسط غریبه ها رخ می دهد.

در میان زنان مصاحبه شده عدم تعادل قابل توجهی بین تصور آن ها نسبت به خشونت و پاسخ واقعی به خشونت دیده می شود. به این معنا که از یک طرف خشونت علیه خود را جدی می پندارند و از سوی دیگر آن را کتمان می کنند. در واقع زنان به لحاظ فرهنگی و اجتماعی به این باور رسیده اند که خشونت علیه آنان امری عادی و حتی در شرایطی توجیه شده است(صادقی فسایی،1389: 25)

1. **پاسخ های نظام عدالت کیفری به پدیده خشونت خانگی**

امروزه گستردگی خشونت خانگی باعث شده است، این رفتار به یکی از نگرانی های مهم تمامی جوامع تبدیل شود. در ایران نیز بر اساس گزارشات نیمی از زنان در هفته اول زندگی مشترک با خشونت خانگی مواجه شده اند. مانع اصلی در بررسی خشونت خانگی در ایران، از نظر حقوقی فقدان جرم انگاری مستقل خشونت خانگی است. فقدان جرم انگاری خشونت خانگی موجب گردیده این قبیل امور تحت عناوین موسع ضرب، جرح، قتل، توهین، افترا و.... مطرح گردند و نتوان به آمار دقیقی از آن دست یافت (علویان امیری، 1397: 137)

همانطور که در بالا ذکر شد، خشونت خانگی به عنوان یک جرم مستقل در حقوق ایران جرم انگاری نگردیده و اگر یک قربانی یا بزه دیده خشونت خانگی قصد داشته باشد تا این موضوع را در دادگاه مطرح نماید تنها در صورتی که مشمول یکی از جرایم ضرب، جرح، توهین و... باشد این امکان برای او فراهم خواهد بود در غیر این صورت یعنی در حالتی که هیچگونه آثار کبودی، زخم و انواع آسیب های بدنی وجود نداشته باشد زنان نمی توانند به نتیجه ای در دادگاه برسند. این امر موید این خواهد بود که به علت فقدان جرم انگاری خشونت خانگی اساساً برنامه حمایتی از زنان در این موضوع نیز در حقوق ایران پیش بینی نشده و بالتبع پاسخ متناسب با خشونت خانگی از سوی سیستم عدالت کیفری ارائه نگردیده است.

چه اینکه اینگونه جرایم که در محیط خانه و خانواده ارتکاب می یابند نیازمند تشریفات خاص خود می باشد. به عنوان مثال از آنجا که در محیط خانه جز اعضای خانواده اشخاص غیر وجود ندارد بنابراین شهادت شهود به عنوان یکی از ادله اثباتی منتفی خواهد بود و این قبیل جرایم نیازمند ادله اثبات دعوی مختص خود می باشند و یا حتی به دلیل فرهنگ جامعه ایرانی ممکن است زنان به خاطر ترس از آبرو، ترس از دست دادن زندگی و فرزندان و موارد این چنینی اقدام به طرح شکایت از بزهکار که همسرشان می باشد نکنند و خسارات وارده جبران نگردند که شایسته است قانون گذار بدان توجه نماید و با فراهم آوردن محیطی امن برای زنان قربانی و حمایت از آنان در جهت کاهش بروز خشونت خانگی و جبران خسارات وارده تلاش نماید.

**نتیجه گیری**

با توجه به اینکه خشونت خانگی خشونت یک عضو خانواده علیه عضو دیگر است (در این نوشتار خشونت مرد بر زن) و عوامل بسیاری من جمله متغیر سن، زمینه های اقتصادی، اعتیاد به مواد مخدر و... می تواند موجب بروز آن در انواع خشونت جسمی، جنسی، روحی- روانی، اقتصادی شود این نتیجه حاصل می شود که زن به عنوان موجودی حساس نیازمند حمایت و مراقبت در همه زمینه ها و بخش های مختلف زندگی فردی و اجتماعی خود می باشد. از آنجا که زن بیشتر اوقات خود را در محیط خانه می گذراند بیشتر در معرض تبعیض ها و خشونت های مربوط به داخل خانه و خانواده قرار می گیرد و به تبع آن نیازمند حمایت های بیشتر در این زمینه ها می باشد.

برای تحقق این امر ابتدا می بایست آموزش های مناسب به افراد چه زن و چه مرد مبنی بر حفظ احترام و شناخت ارزش های یکدیگر داده شود تا بتوان از بروز خشونت خانگی پیشگیری نمود چه اینکه آسیب های روحی و روانی و... که از این منظر بر زن وارد می گردد هیچ گاه جبران پذیر نخواهد بود هر چند که جبران خسارت معنوی در حقوق ایران پیش بینی شده است ولی به طور کامل جبران خسارت صورت نمی پذیرد.

در مقابل دولت ها نیز می بایست با ایجاد مراکز و موسسات مشاوره ای و آموزشی برای رسیدن به این هدف کمک کنند همچنین برای احقاق حقوق زنانی که در معرض خشونت های خانگی قرار گرفته اند می بایست اقداماتی من جمله وضع قوانین به جهت حمایت از زنان با جرم انگاری این عمل، ایجاد کانون وکلای مدافع زنان، ایجاد مراکز مشاوره برای زنان، ایجاد خانه امن تا زن بتواند پس از بروز خشونت در آنجا اقامت گزیند و .... انجام دهند.

1. **منابع**

**کتاب**:

منیر، محمد داوود، بادغیسی، وسیمه، صالحی، عبدالکبیر، کاوه، علی احمد، خشونت خانوادگی، عوامل و راه کارهای مقابله با آن، چاپ اول، انتشارات شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر، 1388.

**مقالات:**

سالاری فر، محمدرضا، تبیین علل و زمینه های خشونت خانگی، دو فصلنامه علمی-تخصصی مطالعات اسلام و روانشناسی، سال سوم، ش 4، 1388.

ره کشای، حمید، نقش مداخله دولت ها در خشونت های خانگی علیه زنان از منظر حقوق بشر، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان.

آخوندان، الهام، حمایت های ویژه از زنان در معاهدات عام بین المللی، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان.

صادقی فسایی، سهیلا، خشونت خانگی و استراتژی های زنان در مواجهه با آن (مطالعه ای کیفی)، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، شماره 1، بهار 1389.

امیری، سحر. بررسی عوامل موثر بر خشونت خانگی علیه زنان، فصلنامه الکترونیکی پژوهش های حقوقی قانون یار دوره اول شماره دوم، 1397.

آیت اللهی، زهرا، نگاهی تطبیقی به موضوع خشونت علیه زنان، فصلنامه کتاب زنان شماره 14، سال 1380.

بستان، حسین. کارکردهای خانواده از منظر اسلام و فمنیسم، مجموعه مقالات حوزه و دانشگاه، سال نهم، شماره 35، 1382.

اعزازی، شهلا. خشونت خانگي، زنان كتك خورده، تهران: نشر سالي، 1380.

حكمـي، نسـرين و نسـترن. فرهنـگ معاصـر فارسـي، تهـران، مؤسسـه فرهنـگ معاصـر، چ سـوم 1381.

سـالاری فـر، محمـد رضـا، خشـونت خانگـي عليـه زنان، بررسـي علل و درمـان بـا نگـرش به منابـع اسلامي، مركز نشـر هاجر، 1389.

**پایان نامه :**

علویان امیری، فائزه. سیاست جنایی قضایی ایران در ارتباط با زنان بزه دیده خشونت خانگی(مطالعه موردی استان مازندران)، دانشگاه مازندران، شهریور 1397

1. - domestic Violence [↑](#footnote-ref-1)
2. 2- اعلامیه رفع خشونت علیه زنان [↑](#footnote-ref-2)
3. 3- نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال، 1387، ص36 [↑](#footnote-ref-3)
4. 4- ره کشای، حمید،1395، نقش مداخله دولت ها در خشونت های خانگی علیه زنان از منظر حقوق بشر، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان [↑](#footnote-ref-4)